

توازن میان ویژگی های فردی، محلی و مصالح عام امت در «گفتمان اسلامی»^۱

آیت الله محمدعلی تسخیری

چکیده:

اسلام شیوه های بسیار جالبی در باب گفت و گوی منطقی و سازنده در تاریخ اندیشه بشر دارد. در این نوشتار، از گفتمان اسلامی به معنای گفتمان تبلیغی و رسانه ای اندیشمندان اسلامی که فرهنگ و خرد امت اسلامی را مورد خطاب قرار می دهد و جایگاه تمدنی امت را در میان بشریت مشخص می کند، بحث شده و حرکت رسانه ای اندیشمندان دست اندرکار را جهت دستیابی به گفتمان دینی دارای توازن، واقع گرایی، خردورزی و نرمش و انعطاف، نقد می نماید.

واژگان کلیدی: گفتمان اسلامی، امت اسلامی، گفتمان رسانه‌ای و تبلیغی، گفتمان دینی.

مراد از «گفتمان اسلامی» در اینجا، گفتمان آموزشی سطحی یا عمیق و نیز گفتمان شیوهای ادبی نیست بلکه منظور گفتمان تبلیغی - رسانه ای است که با توده های گسترده مردم سر و کار دارد و افکار عمومی را سمت و سو میدهد. ما بر این باوریم که نیازی نیست وارد فلسفه بافی گفتمان و بیان تعریف و اقسام و عناصر و ضوابط و معیارهای آن شویم، زیرا نزد اهل اندیشه روشن است. اهداف شریعت نیز در این میان کاملاً روشن است و در این خلاصه میشود که این گفتمان باید حقیقت را به دیگران برساند؛ به عبارت دیگر، میتوان این گفتمان را «روند رساندن حقیقت از سوی حاضران به غائبان» تلقی کرد، که پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» نیز در پایان یکی از خطبه های معروف خود فرموده است: «حاضران به سمع غائبان برسانند»^۲

اسلام شیوه های بسیار جالب و روش های بدیعی در سوق دادن دیگران به سوی گفت و گوی منطقی و سازنده دارد که می توان آنرا نظریه همه جانبه و جامع و پیشاهنگی در تاریخ اندیشه بشر قلمداد کرد ولی احساس می شود که در حال حاضر، گفتمان رسانه ای اسلامی گرفتار آفات و بیماری های چندی است که آنرا از تحقق اهداف خود باز می دارد. این آفات را در «افراط گرایی غیر قابل قبول» و دور شدن از «خردورزی»، «اعتدال» و «توازن» می توان خلاصه کرد.

۱. این مقاله در شماره ۲۳ نشریه اندیشه تقریب به چاپ رسیده است.

۲. البخاری «در صحیح، ج ۲، ص ۱۹۱ و ج ۸، ص ۹۱، مسلم «در صحیح، ج ۵، ص ۱۰۸؛ بیهقی در سنن کبری، ج ۵، ص ۱۵۲ و ج ۷، ص ۶۰» و احمد»

در مسند، ج ۱، ص ۲۳۰ و ج ۴، ص ۳۲ و ج ۵، ص ۴ و ج ۶، ص ۲۸۵» آن را روایت کرده اند.

نیازی نیست که از میزان پای بندی اسلام به این موارد، سخن گفت، زیرا به اندازه ای که حضور آنها در مفاهیم و ارزشها و اخلاقیات آن روشن است در احکام شرعی آن نیز روشن بوده و مسلّم به شمار می رود. شایان یادآوری است که منظور ما از گفتمان رسانه ای، آن گفتمان رایج و سطح پایین در حد توجه به مسایل جزئی و عادی و عوامانه نیست بلکه گفتمان رسانه ای اندیشمندان اسلامی است که فرهنگ و خرد امت اسلامی و شیوه زندگی آنرا مورد خطاب قرار می دهد و جایگاه تمدنی این امت در میان بشریت را مشخص می سازد. بنابراین تلاش کنونی ما خودانتقادی از حرکت اندیشمندان دست اندرکار این گفتمان رسانه ای و فراخوانی به تحقق اعتدال و میانه روی در فاصله های زیر است:

- از سطحی نگری تا تعمقهای پیچیده؛

- از گرایشهای شتاب زده زودگذر تا تأملهای ریشه ای و بلندمدت؛

- از تخصص تا عدم انحصار؛

- از عزلت گزینی تا تأثیرپذیری مفرط؛

- از تعصب تا عقب نشینی از اصول؛

- از گرایش ارتجاعی تا گرایشهای پیشروانه دروغین؛

- از پایبندی های افراطی به ارزشها تا لابلالی گری نسبت به آنها که همگی نمونه هایی از آفات گریبان گیر گفتمان های کنونی است.

- خودانتقادی از حرکت اندیشمندان اسلامی معاصر

آدمها به لحاظ گرایش های منطقی و ظرفیت انتقادپذیری، با یکدیگر متفاوت اند؛ برخی کمترین رنجشی از انتقادهای شخصی، هرچند تند و خشن هم باشد، به دل نمی گیرند، حال آنکه گروهی دیگر، از هر انتقادی هر چند منطقی و سازنده باشد، به شدت رنجیده خاطر می شوند. ولی باید دانست که انتقاد از یک جنبش و گرایش فکری، امری کاملاً طبیعی است و افراد را به تأمل و تجدیدنظر فرا می خواند بی آنکه سرو صداهای کوتاه فکرا نه یا احساسات جریحه دار شده ای را در پی داشته باشد که راه اندیشه آرام را سد میکند؛ خشم شدید و فراتر از حد، همواره چنین پیامدهایی دارد.

آنچه در پی آنیم، تحریک حس خودانتقادی نسبت به روند اندیشه متداول در جهان معاصر اسلامی است که به صورت کتاب، مقاله یا سخنرانی های فردی یا جمعی با عنوان میزگرد یا کنفرانس فکری مطرح میگردد. ولی شیوه ما مبتنی بر ایراد اتهام های صریح به بزرگان فکری که نامشان در این یا آن اثر یا نشریه اسلامی تکرار میشود، نیست بلکه برخی بیماریها، آفات و نواقصی را مطرح می سازد که هیچ کس در جنبه بیمارگونگی و آفت بودن آنها تردید ندارد. آنگاه به اندیشمند فرصت داده میشود که خود و برکنار از انگیزه های درونی و شخصی و با فرض اینکه خالصانه در راه اعتلای کلمه حق و برای رضای خدا کار و تلاش می کند، ببیند آیا انتقاد مطرح شده خود او و کارهایش را نیز در برمی گیرد یا خیر.

پیش از طرح برخی از این آفات بیمارگونه، شایسته است بر دو حقیقت عینی زیر تأکید گردد:

۱. وجود برخی اندیشمندان روشن بینی که خداوند متعال به آنان توان پرواز فکری مجرد و اخلاص برای او - جل شأنه - را عطا کرده است؛ توانی که آنان را از افتادن در لغزشگاه ها بر کنارداشته و به محملی برای هدایت الهی تبدیلشان ساخته است.
 ۲. انتظار تغییرات اساسی در جنبش فکری اسلامی و همسویی آن با دگرگونی های همه جانبه ای که چون موهبتی الهی بخشهای جهان اسلامی ما را به یکدیگر نزدیکتر میسازد. بنابراین، آنچه فرا روی ماست پیش از بدبینی، خوشبینی است؛ ما خود را در برابر امید بسیار نزدیکی در شکوفایی اندیشه درخشان اسلامی می یابیم که به یاری خداوند متعال سرتاسر جهان اسلام را در پرتو نور خود قرار خواهد داد.
- حال به برخی نقاط ضعف و حالت های بیمارگونه ای که اندیشه، یا به عبارت دقیق تر اندیشمندان، بدان گرفتار می شوند، اشاره می شود :
- نخستین نقطه ضعف، وابستگی و دنباله روی است که دهانها را می بندد و غالباً به صورت تبعیت از افراد با نفوذ صورت می گیرد. این وابستگی مرگبار نیز برخاسته از شرایطی است که طرف مسلط، آنها را تحمیل می کند همچنان که می تواند ناشی از ضعف نفس خود اندیشمند و نیازهای اقتصادی یا درونی وی به این وابستگی باشد
- می توان برای این وابستگی پیامدهای منفی بسیاری را برشمرد که با عنصر تعارف و عدم اشاره به موارد ناراحت کننده، آغاز می شود و در پی پرشدن شکم از حرام و برآمده شدن رگها از خون ستمدیدگان، به تحریف عمده حقایق، منتهی می گردد. و در فاصله این انجام و فرجام، می توان افراد بسیاری را که در جهان اسلامی ما به نام اسلام و تربیت و روشنگری دینی می نویسند یا سخنرانی می کنند برشمرد! آیا آنانی که گران بهاترین گوهر زندگی، یعنی «زندگی خردمندانه» خود را به خردان بیمایه فروخته و به مدح و ستایش نادانانی می پردازند که از درك گفته های خویش عاجزند، به این موضوع اندیشیده اند؟! آری، پیامدهای این وابستگی مراتب گوناگونی دارد، گاه خودداری از بیان چیزهایی است که ارباب قدرت را به خشم می آورد و بسنده کردن به روشنگری هایی به

دور از تحریک امت علیه ستمگری و ستمکاری است و گاهی نیز توجیه کارها و اقدامات این اربابان تا حد شرکت در جنایات آنهاست.

نمونه بیمارگونه دیگر- در بعد فکری تکرار خسته کننده و ملال آور اندیشه بی هیچ ابتکار و خلاقیتی در گستره موضوعات مورد بررسی یا راه حلها و برداشت هاست و دردآورتر اینکه هنوز کسی را نیافته ایم که گام برداشته شده از سوی اندیشمند بزرگ اسلامی «مرحوم آیت الله شهید سید محمد باقر صدر»^۳ در عرصه اقتصادی را آن هم به رغم گذشت نیم قرن از این تجربه پرشکوه از یک سو و نیاز مبرم به چنین گام های فکری بزرگی از سوی دیگر، دنبال کند.

اینک عرصه های فکری فراروی ماست که باید در این عرصه ها حرکت کرده و به چنین پدیده هایی توجه کنیم و به هر صورتی که مناسب می دانیم آنها را محکوم نماییم. نقطه ضعف دیگر که به نظر خیلی هم روشن می رسد، مسئله عدم تعامل با واقعیت های موجود و دوری گزیدن - جز در موارد بسیار اندک - از مشکلات واقعی امت بنا به دلایل بسیاری از جمله آنچه به عنوان نرنجاندن صاحبان نفوذ از آن یاد شد، و نیز عدم احساس درد توده های مردم و فاصله گرفتن از آنان و... است. به همین دلیل چه اندک است نوشته ها و آثاری که در مورد زمینه های مناسب اجرای تمامی احکام اسلام در چارچوب وحدت همه جانبه اسلامی و با عدم توجه به مرزها و منافع تنگ نظرانه، به رشته تحریر در می آید!

آیا مطالعات و پژوهشهای کافی در مورد مکتبها و اندیشه های منحرفی که سرتاسر جهان اسلامی ما را درنوردیده است، از جمله ناسیونالیسم تنگ نظرانه، مارکسیسم، اندیشه های سرمایه داری و لائیک، هرمنوتیک و جهانی شدن و... صورت گرفته است؟ در همین زمینه، شاهد جای خالی مطالعات دانشگاهی اسلامی هستیم؛ کتابهای درسی که در پی پر کردن این خلأ باشد، کجاست و آیا ماتوانسته ایم این شور و شوق دانشگاهی را که چشم امید به اسلام دوخته و واقعیت غیر قابل تردیدی هم هست، برآورده سازیم؟ مادربرابر این امر چه کرده ایم؟ تجربه های مربوط به اسلامی کردن دانشگاهها نیز ناقص و گرفتار اندیشه های وارداتی و بدون توجه به عدم انسجام آنها با واقعیت اسلامی ما بوده است. اگر خواسته باشیم نقاط ضعف مربوط به این جنبه را برشماریم با لیست بلندی روبه رو خواهیم شد که از هیچ کدام از عناصر آن نمی توان گذشت.

توازن میان ویژگیهای فرد، کشور و جنبه های عام امت

مشاهده می شود که برخی نمونه های گفتمان دینی، به معنای وسیع آن، چنان در خصوصیات فردی خلاصه میشود که گویی دین تنها برای پرورش جنبه های فردی انسان آمده و جنبه های اجتماعی او را کاملاً نادیده گرفته

۳ . امام بزرگوار شهید سید محمد باقر صدر(ره) در سال ۱۹۸۰ میلادی به دست دژخیمان رژیم صدام به شهادت رسید. اندیشه های خلاق این بزرگ مرد در عرصه های فقه و اندیشه و سیاست و اقتصاد بر هیچ کس پوشیده نیست؛ آثاری چون: «اقتصادنا»، «فلسفتنا»، «دروس فی اصول الفقه»، «الاسس المنطقیه للأستقراء» و غیره... از اوست

است؛ می توان این ویژگی را یا ناشی از غرق شدن در خصوصیت های فردی و به فراموشی سپردن جنبه های اجتماعی از سوی پژوهشگر و اندیشمند دانست و یا به تأثیرپذیری از اندیشه دینی غربی که دین را موضوعی فردی و بدون پیوند با زندگی عمومی (افراد - جامعه) تلقی میکند، نسبت داد. ازاین نمونه می توان به فتوا دادن به صرف زکات در محل خاص خود اشاره کرد، حال آنکه برنامه ریزی برای تحقق عدالت اجتماعی تنها با مرکزیت عام (و سازماندهی متمرکز) امکان پذیراست. گاهی نیز مشاهده می شود که چنان بر منافع محلی یا ملی یا حتی مذهبی تأکید می شود که منافع عالیه امت یا حتی دید همه جانبه و جهان شمولی اسلام به فراموشی سپرده می شود.

اینکه پیروان مذاهب مختلف، چنان با اندیشه های مذهبی ویژه خود پر شوند که اگر مضمون آیاتی از قرآن مجید برخلاف مذهبشان باشد، شگفت زده شوند نیز در همین راستا قرار دارد.

امام فخر رازی از برجسته ترین استاد خود نقل کرده که میگوید: « به جماعتی از مقلدان فقها برخورد کردم و برایشان آیاتی از قرآن مجید در خصوص برخی مسایل را تلاوت نمودم، احکام مذهب ایشان برخلاف محتوای آیات قرائت شده بود، به همین دلیل، آیات یاد شده را نپذیرفتند و توجهی به آنها نکردند و شگفت زده به من خیره شدند؛ یعنی اینکه چگونه می توان به ظاهر این آیات عمل کرد حال آنکه از نیاکان ما روایاتی در خلاف آنها وارد شده است. و می افزاید: اگر به درستی تأمل کنی خواهی دید که این آفت در میان بیشتر اهل دنیا وجود دارد.» (فخر رازی، ج ۱۶، ص ۳۷)

گاه می بینیم که گفتمان دینی بر رشد و توسعه درآمدهای ملی در چارچوب منافع ملی و بی توجه به اوضاع عام اسلامی و ضرورت هماهنگی با آن در راستای تحقق مصالح عالیه اسلام، تأکید کرده است. و چه بسا خطرات سیاسی، اقتصادی و حتی اخلاقی محلی نیز به دور از روند کلی اوضاع جهان اسلام و مقتضیات آن مورد توجه قرار گرفته است. و سرانجام اینکه می بینیم این گفتمان، برنامه ریزی های خود را تنها به اصلاحات جزئی فردی و به دور از دغدغه های عام امت، اختصاص می دهد.

و در مقابل، شاهد آنیم که برخی انواع گفتمان ها، در تعمیم مسایل و کلی نگری و خاطر نشان ساختن منافع امت چنان راه افراط در پیش می گیرند که ویژگی های محلی، ملی، سرزمینی و طبیعت خاص ملتها را به فراموشی می سپارند و به همین دلیل کمترین تأثیری به جای نمی گذارند و ازسوی شنوندگانی که با چنین لحن و زبانی بیگانه اند و گرفتار مشکلات و دردهای خویش اند، با عدم اقبال کامل روبه رومی شوند. به همین دلیل است که گفتمان دینی باید به «توازن»، «واقع گرایی»، «خردورزی» و «نرمش و انعطاف» که همگی از پدیده های عام اسلامی اند، بازگردد و بر نکاتی تأکید کند که مهم ترینشان عبارت است از

۱. توجه به منافع و مصالح عام و خاص با اولویت بخشیدن به مصلحت عام در صورت تعارض
۲. تکیه بر دید اجتماعی و مقاصد عام شریعت با توجه به مقاصد (اهداف) خاص هر مجموعه
۳. اصالت بخشیدن به ویژگی های فرهنگ ملتها و خلقها و برقراری هماهنگی و همسویی میان آنها

۴. در نظر گرفتن اصل وحدت اسلامی در مواضع عملی و تحمل پلورالیسم فکری با گرایش کشف عرصه های مشترک و توسعه این عرصه ها و همکاری در پیاده کردن آنها و تسامح با یکدیگر در موارد اختلاف
۵. در نظر گرفتن جنبه های عام پدیده های کلی اسلام - که به آنها اشاره شد - در روند برنامه ریزی های توسعه ای طبیعی و انسانی - معنوی

منابع و مأخذ

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند احمد*، چاپ دار صادر، بیروت
۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، چاپ دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۱ق
۳. بیهقی، احمد بن حسین، *سنن کبری*، چاپ دار الفکر، بیروت
۴. تسخیری، محمد علی، *الظواهر العامه فی الاسلام*، چاپ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۲۶ق
۵. فخر رازی، محمد بن عمر، *تفسیر کبیر*، چاپ دار احیاء التراث العربی، بیروت
۶. مسلم، مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، چاپ دار الفکر، بیروت